





The effects of the tourism industry on oil revenue in order to realize the general policies of the resistance economy


Davood Daneshjafari

Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding author). 
daneshjafari@gmail.com Tel: +98(021)22258889


Basem Abbas

Doctoral student in economics and development, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. 

Mohammad Mahdi Mojahedi

Department of Business Economics, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. 

Teimour Mohammadi

Theoretical Economics Department, Faculty of Economics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. 





Abstract

Today, the role of the tourism industry in economic development, both in developed countries and developing countries, is considered accepted. The growth of the tourism industry in developing countries was seen as a promising potential way to achieve economic and human growth. Tourism directly affects the economic development of countries. For example, with the arrival of tourists and the increase in their spending in the host country, it will increase its national income. In addition to the above in Iran, general economic policies of resilience have been formed with the aim of providing dynamic growth and improving economic resilience indicators and achieving the goals of the 20-year vision document with a global approach that the development of the tourism industry leads to achieving the goals of general economic policies. It will be resistant and increase the country's income.

Considering the importance of the topic, this article deals with the relationship between tourism, economic growth and oil revenues in the oil-rich countries of the Persian Gulf (Iran, Qatar, UAE, Iraq, Oman, Saudi Arabia, Kuwait and Bahrain). In addition, replacing oil revenues with tourism revenues is another goal of this research. The results of this research show that if the tourism industry in these countries increases by 1 unit (percent), their oil income will increase by 0.21/0 (1/2 percent), which is not a significant number. In the Persian Gulf region, tourism has a positive effect on income (production) and if one unit (percentage) of tourism increases, the country's income will increase by 0.334 units (33.4 percent).


Keywords: Tourism, Economic growth, Panel data, Oil revenue.

JEL Classification: E24, E64, E60

 <p>Use your device to scan and read the article online</p>	Citation: Abbas, B., Daneshjafari, D., Mojahedi, M. M., & Mohammadi, T. (2023). The effects of the tourism industry on oil revenue in order to realize the general policies of the resistance economy. Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies, 11(44), -. doi: 10.30507/jmsp.2023.385857.2551
	 10.30507/jmsp.2023.385857.2551
	
	

تأثیرات صنعت گردشگری بر درآمد نفتی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی


داود دانش جعفری

استاد گروه اقتصاد بازرگانی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  daneshjafari@gmail.com تلفن: ۰۲۱۲۲۵۸۸۹۸


باسم عباس

دانشجوی رشته اقتصاد و توسعه، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. 

محمد مهدی مجاهدی

استادیار گروه اقتصاد بازرگانی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. 

تیمور محمدی

استاد گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. 

چکیده

امروزه نقش صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در کشورهای در حال توسعه امری پذیرفته شده تلقی می‌شود. رشد صنعت گردشگری بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم شروع شد. این کشورها گردشگری را به‌عنوان یک راه امیدبخش بالقوه برای دستیابی به رشد اقتصادی و انسانی تلقی می‌کردند. در کشورهای کوچک با منابع سرمایه‌ای کمتر، صنعت گردشگری عامل مهم راهبرد توسعه و برای کشورهای بزرگ‌تر، به‌عنوان یک منبع اضافی کسب درآمد و راهی برای پیشرفت مناطق کمتر توسعه‌یافته در این کشورها است. گردشگری به‌صورت مستقیم در توسعه اقتصادی کشورها تأثیر می‌گذارد؛ به‌طورمثال با ورود گردشگران به کشور میزبان و افزایش مخارج گردشگران در کشور میزبان موجب افزایش درآمد ملی در این کشورها خواهد شد. علاوه بر موارد فوق در ایران، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله با رویکردی جهانی شکل گرفته است که توسعه صنعت گردشگری منجر به رسیدن به اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و افزایش درآمدهای کشور خواهد شد.

با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله به ارتباط بین گردشگری، رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی در کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس (ایران، قطر، امارات، عراق، عمان، عربستان، کویت و بحرین) می‌پردازد. علاوه بر این جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای گردشگری نیز یکی دیگر از اهداف این

پژوهش است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اگر صنعت گردشگری در این کشورها ۱ واحد (درصد) افزایش یابد، درآمد نفتی آن‌ها معادل ۰/۰۲۱ (۲/۱ درصد) افزایش خواهد یافت که عدد قابل توجهی نیست. علاوه بر این در کشورهای حوزه خلیج فارس، گردشگری بر درآمد (تولید) اثر مثبت دارد و اگر یک واحد (درصد) گردشگری زیاد شود ۰/۳۳۴ واحد (۳۳,۴ درصد) درآمد کشور زیاد خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: گردشگری، رشد اقتصادی، داده‌های پانلی، درآمد نفتی.

طبقه‌بندی JEL: E24, E64, E60

شاپای الکترونیک: ۲۳۴۵-۲۵۵۲ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان



10.30507/jmsp.2023.385857.2551

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به سیاست‌های راهبردی و کلان نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

به دلیل اهمیت جایگاه صنعت گردشگری در توسعه، بسیاری از کشورها به تکاپو در این زمینه افتاده‌اند و در پی رونق این صنعت هستند که در این زمینه موفق هم بوده‌اند. صنعت گردشگری در حقیقت یکی از مهم‌ترین بخش‌ها جهت ایجاد درآمد در کشور محسوب می‌شود که به ایجاد اشتغال و خوداتکایی کمک می‌کند و با ارتقای جنبه‌های فرهنگی و اقتصادی، تأثیر شگرفی بر رشد و پیشرفت کشورها می‌گذارد. به همین دلیل هم بسیاری از کشورها از جاذبه‌های این صنعت در راستای برون‌رفت از معضله‌ها و چالش‌های موجود در جامعه خود و ایجاد فرصت‌های شغلی بهره می‌برند. با توجه به اهمیت گردشگری می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین پایه‌های توسعه اقتصادی یک کشور به‌شمار آورد. به همین دلیل هم این صنعت به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی برای بسیاری از کشورهای دنیا، محسوب می‌شود و آن را موتور توسعه می‌نامند و روزبه‌روز بیشتر مورد توجه قرار گرفته و دولت‌ها به آن اهمیت می‌دهند (میرباقری هیر و دیگران، ۱۳۹۸).

گردشگری از نظر اقتصادی به‌عنوان یک منبع تأمین درآمد و ارز به‌شمار می‌رود و کشورهای مختلف جهان در سایه برخورداری از امکانات گوناگون و جاذبه‌های متنوع، در پی جذب و جلب جهانگردان به طرف خود هستند (اقدام‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵). از این‌روز گردشگری در حال تبدیل شدن به یکی از ارکان اصلی اقتصاد تجاری جهان است و بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه از این صنعت به‌عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند (خوارزمی، ۱۳۸۴).

صنعت گردشگری، بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین صنعت در جهان محسوب می‌شود. تأثیر گردشگری بر افزایش میزان اشتغال و درآمدهای ارزی، رونق صنایع داخلی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی موجب شده است تا نگرش کشورهای دنیا به مرز آن تغییر یافته و جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری دولت‌ها پیدا کند. با توجه به اینکه کشورهای در حال توسعه با مشکلاتی همچون نرخ بیکاری بالا، محدودیت منابع ارزهای خارجی، اقتصاد تک‌محصولی، سطح پایین درآمد سرانه و نرخ‌های نازل رشد اقتصادی مواجه هستند، از این‌رو این کشورها برای رهایی از چنین مشکلاتی نیازمند رشد اقتصادی سریع و مستمر هستند و صنعت گردشگری می‌تواند در این زمینه نقش مهمی ایفا کند، می‌تواند نقش قابل‌توجهی در راستای این هدف داشته باشد؛ بنابراین، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها و به‌ویژه

کشورهای در حال توسعه، بایستی توجه بیشتری به این صنعت به‌عنوان یک راهبرد توسعه اقتصادی داشته باشند (رام، ۱۳۹۱).

تأثیر اقتصاد تک‌محصول بر کشورهای صادرکننده نفت منجر به محدود شدن درآمدهای ارزی کشورهای نفت خیز می‌شود. اقتصاد رانتیر وابسته به نفت به یقین نمی‌تواند امنیت‌ساز باشد و به امنیت ملی پایداری منجر شود. چنین کشورهایی با کمترین نوسانی در قیمت نفت و بازارهای نفتی در حوزه‌های مختلف دچار آشفتگی می‌شود (رنانی و دیگران، ۱۳۸۹). سازوکارهای تأثیرگذار بر قیمت نفت و نفوذ شرکت‌های بزرگ در تغییر بهای نفت باعث شده که کنترل و تثبیت قیمت آن خارج از اختیار کشورهای صادرکننده باشد، همین امر اقتصاد کشورهای نفتی را دچار بحران می‌کند و سیاست‌گذاری بلندمدت اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد (فتحی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷)؛ بنابراین یکی از راهبردها برای کاهش وابستگی به نفت و رهایی از اقتصاد نفتی، توجه ویژه به صنعت گردشگری است. صنعت گردشگری در کنار نفت و خودروسازی، یکی از سه منبع عمده تولید درآمد در بسیاری از کشورها محسوب می‌شود (جهانیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۸) و می‌تواند با کمترین هزینه، زمینه توسعه مداوم و مستمر کشورها را فراهم کند. کشورهای مختلف با استفاده از سرمایه‌گذاری در گردشگری درصدد هستند به اهداف خود مانند تنوع‌بخشی به اقتصاد، اشتغال‌زایی تعامل فرهنگ‌ها و گفت‌وگوها، حفظ محیط زیست و به‌طور کلی توسعه پایدار و درآمدهای ارزی بیشتر دست یابند (فتحی‌پور و دیگران، ۱۳۹۷). یکی دیگر از عواملی که منجر می‌شود وابستگی به نفت برای کشورها خطرآفرین باشد وجود تحریم مبادلات مرتبط با نفت و محصولات جانبی آن است، توسعه صنعت گردشگری یکی از فرصت‌های مناسبی است تا مشکل اساسی اقتصاد چنین کشورهایی که وابسته به صادرات نفت و محصولات جانبی آن هستند، در وابستگی به درآمد نفتی درمان شود و یا حداقل این مشکل کاهش یابد (طیبه و دیگران، ۱۳۸۷). جایگزین کردن صادرات غیرنفتی و درآمدهای مالیاتی به جای درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت راهبرد مناسبی است می‌تواند راه‌حلی جهت رفع این مشکل باشد. به‌کارگیری این راهبرد باعث کاهش آسیب‌پذیری کشور در میادین اقتصادی می‌شود و کشور زمانی کاملاً از وابستگی نفتی خارج می‌شود که تولیدات غیرنفتی به حد و اندازه‌ای باشد که بتوان صادرات غیرنفتی را جایگزین صادرات نفتی کرد که در این راستا توجه بیشتر به صنعت و تولید کشور می‌تواند راهگشای این امر باشد (محمودی، ۱۳۹۲). یکی دیگر از صنعت‌هایی که با تقویت آن می‌توان منجر به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در یک کشور شد صنعت گردشگری است. با توجه به اهمیت موضوع هدف از پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین گردشگری، رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی در کشورهای



نفت خیز حوزه خلیج فارس (قطر، امارات، عراق، عمان، ایران، عربستان، کویت و بحرین) می‌باشد (شهین و دیگران، ۱۳۹۷). علاوه بر این این پژوهش به دنبال این است که آیا می‌توان درآمدهای نفتی را با درآمدهای گردشگری جایگزین نمود (مشیرزاده، ۱۳۸۹).

۱. ادبیات موضوعی

۱-۱. گردشگری و رشد اقتصادی

یکی از آثار راهبرد توسعه برون‌گرا در بسیاری از کشورها، ترویج بخش‌های جدید مانند گردشگری و صادرات غیرسنتی بود. تاکنون، در ادبیات توسعه بر گردشگری و صادرات غیرسنتی تمرکز شده و ادبیات موجود حاکی از این است که گردشگری نیز به‌عنوان بخش مهمی از رشد برون‌گرا ارتقاء یافته است. نظریه‌ها بیانگر این است که افزایش گردشگری به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد که امکان صنعتی‌شدن سریع را ندارند، می‌تواند منجر به تنوع اقتصادی بدون اتکای بیش از حد به صادرات سنتی شود. گردشگری یکی از بخش‌های صادراتی مهم است که از نظر مارین (۱۹۹۲) تفاوت آن با صادرات کالاها و خدمات این است که مصرف‌کننده آن را در کشور میزبان مصرف می‌کند (ویسی، ۱۳۸۹). این صنعت، اگرچه نمی‌تواند اقتصاد شهر را به‌طور کامل بسازد؛ اما نقش مثبتی از طرق مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد جوامع ایفا می‌کند. اثرهای مستقیم صنعت گردشگری از مخارج اولیه گردشگران برای کالاها و خدمات مصرفی ایجاد می‌شود. این بخش از اثرها، باعث ایجاد اشتغال مستقیم و کسب درآمدهای ارزی از طریق تولید و فروش کالاها و خدمات به گردشگران می‌شود (Butcher, Fairweather & Simmons, 2003). بر اساس نظر مارین (۱۹۹۲)، گردشگری به‌صورت غیرمستقیم نیز بر رشد تأثیر می‌گذارد، چراکه اثر پویایی را در کل اقتصاد به شکل آثار سرریز و یا دیگر آثار خارجی نشان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، گردشگری می‌تواند به‌عنوان موتور محرک برای رشد اقتصادی عمل کند و رشد سایر فعالیت‌های اقتصادی را نیز که با آن صنعت مرتبط هستند و به آن (شهین و دیگران، ۱۳۹۷)، کالا یا خدمت ارائه می‌دهند و یا محصول آن را مصرف می‌کنند به همراه داشته باشد (دلقندی و دیگران، ۱۳۹۹).

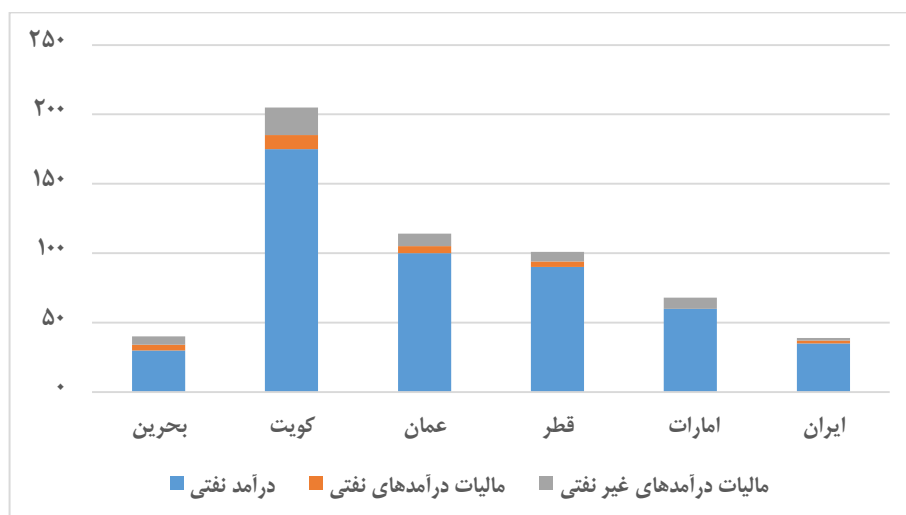
بعضی از کشورهای نفتی مثل ایران از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای توسعه اقتصادی کشور، کاهش وابستگی به نفت، کوچک‌سازی و توانمندسازی دولت در شرایط تحریم و یا غیرتحریم به‌صورت فعال استفاده می‌شود.

توسعه صنعت گردشگری و تقویت درآمدزایی در این زمینه نیز منجر به کاهش

آسیب‌پذیری‌های می‌شود در برابر تکانه‌های ناشی از وابستگی اقتصاد به نفت که در شرایط کاهش قیمت جهانی نفت و یا کاهش صادرات نفت توسط کشورهای نفتی صورت می‌گیرد و نیز کاملاً مؤثر است (ویسی، ۱۳۸۹).

۲-۱. درآمدهای نفتی و کشورهای تک‌محصولی حوزه خلیج فارس

درآمدهای نفتی و اقتصاد تک‌محصولی متکی به نفت بخش قابل‌توجهی از اقتصاد کویت، بحرین، امارات، عربستان، قطر، عراق، عمان و ایران را به‌خود اختصاص داده است که به‌زعم خود آسیب‌پذیری اقتصاد این کشورها را نمایان می‌سازد. طبق نمودار ۱ در این دولت‌ها مالیات‌ستانی کمترین سهم از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد، به‌علاوه ویژگی بارز اکثر دولت‌های نفتی عدم مالیات‌ستانی است که دولت ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌دلیل تکیه بر درآمدهای نفتی خود را مبرا از مالیات‌ستانی می‌داند (شکوری، ۱۳۹۹).



Source: (IMF, World Economic Outlook, 2020)

نمودار (۱): درآمدهای نفتی کشورهای مورد مطالعه پژوهش در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۰

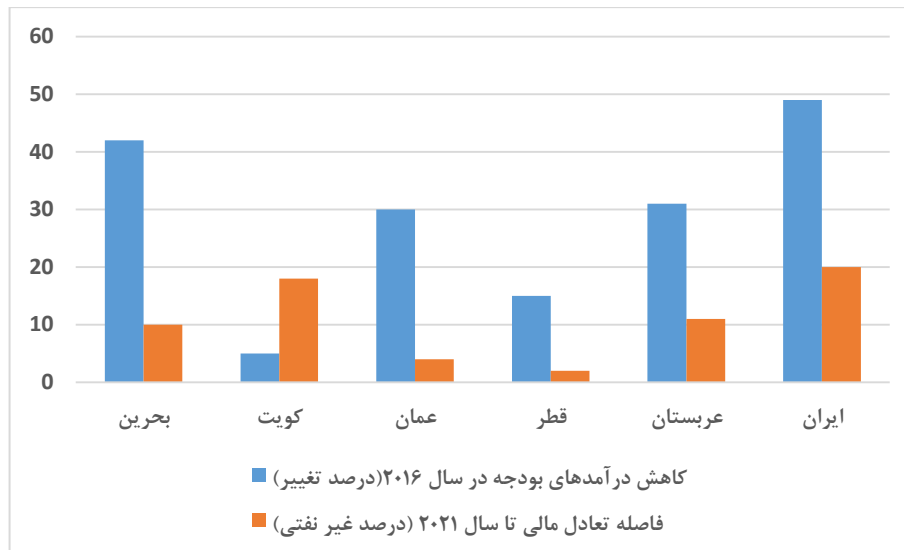
به‌طورمثال در کشور کویت نفت شکوفایی شگرف و درعین‌حال وابستگی بازاری بی‌ثبات را به همراه داشت؛ اما تحولاتی که در نتیجه وجود نفت به‌وقوع پیوست بسیار عمیق‌تر از این بود. نفت اقتصاد جدیدی را با خود به همراه آورد که بهره‌مالکانه‌پایداری شده بود. چنین اقتصادی عمیقاً متکی به صدور یک ماده خام صرف است که برای تولید آن احتیاجی به ایجاد با سایر موارد

اقتصادی نیست. یکی از پیامدهایی که به این اقتصاد عاید می‌شود افزایش قدرت دولت است. در درازمدت نفت وابستگی‌های بین‌المللی جدیدی را نیز ایجاد کرد و این کشورها به تدریج برای کسب سرمایه، نیروی کار و کالا وابستگی بیشتری پیدا کردند که این پیامدها در کوتاه‌مدت قابل رؤیت نیست. پیامدهای آنی درآمدهای نفتی، نابودی پایه اقتصادی حکومت و خانواده بازرگان را به یکدیگر پیوند می‌داد و ظهور صف‌آرایی بی‌ثبات و تازه‌ای بود که بازرگانان را به وجود آورده بود و در جو تازه‌ای که از وفور نشان داشت دوام نیافت (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰). پیامد دیگر درآمدهای نفتی این بود که به محض آنکه نفت اقتصاد کشور را قبضه کرد، وجه مشترک بازرگانان را که از روند تولید سرچشمه می‌گرفت و سبب اتحادشان می‌شد را از میان برداشت. نفت صنعتی بدون مرزی است که تنها به تعدادی معدود کارگر محتاج است و پیوندهای اجتماعی و اقتصادی محدودی را ایجاد کرد و همین خصوصیات نفت بود که باعث دگرگونی پایه‌های اقتصادی کهن بازرگانان شد و همراه با آن عوامل به وجود آورنده طبقه تجار را دستخوش تغییر کرد (Alzumai, 2018). واقعیت این است که کویت توسط یک دولت رانتی اداره می‌شود و این دولت به توسعه یک نظام اقتصادی و اجتماعی‌ای اقدام کرده است که رفتار رانت‌جویی را تشویق می‌کند (محقق، ۱۳۹۰).

۱-۳. کسری بودجه در کشورهای نفت خیز

کارشناسان اقتصادی معتقدند به موازات افزایش قیمت نفت، برخی از کشورهای تولیدکننده نفت هزینه‌های بودجه‌ای خود را افزایش داده‌اند؛ بنابراین نیازمند قیمت بالای نفت جهت برقراری تعادل در تراز بودجه خود هستند. قابل توجه است که نیاز کشورهای عضو آپک به قیمت مناسب نفت برای برقراری تعادل در بودجه بسیار متفاوت بوده و این مسئله آپک را برای تجدیدنظر در سیاست‌های تولید و عرضه نفت با مشکل روبه‌رو کرده است. کاهش بهای نفت، افزایش هزینه‌های عمومی و کسری بودجه مستمر دولت‌های تک‌محصولی صادرکننده نفت را ناچار کرد تا در پی ساختار اقتصادی و تغییر الگوی نظام اقتصاد واقع‌گرا بروند؛ به‌طورمثال در واقع تا قبل از کشف نفت در کویت، این کشور به‌عنوان یک کشور تجاری مهم شناخته شده بود؛ اما کشف نفت و درآمدهای ناشی از صادرات آن در پنجاه سال اخیر نقطه آغاز مهمی برای گسترش نوسازی و به‌روز تحولات اجتماعی و اقتصادی در زندگی کویتی‌ها بوده است (یاوری و دیگران، ۱۳۹۸). درآمدهای نفتی در کشورهای نفتی باید موجب تسهیل فرایند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی می‌شد؛ اما این درآمدها سبب تهی شدن منابع نفتی کشور مشوق رشد فعالیت‌های شهری کاملاً وابسته به درآمدهای نفتی، تغییر توزیع درآمد و ثروت به نفع یک اقلیت کوچک و ایجاد تعادل تولیدی و مصرفی شد و نهایتاً نرخ‌های

بالای تورم را موجب گردید و سبب بیکاری هم شد. این درآمدها به تدریج بخش کشاورزی و روستایی را نابود و به تعارض‌های اجتماعی و بی‌نظمی اجتماعی انجامید. کاهش درآمدهای نفتی به کسری بودجه و کاهش هزینه‌های دولت که متکی به این درآمد است لطمه وارد می‌کند و این امر کاری معقولانه نخواهد بود؛ زیرا پایه و بنیان مشروعیت حکومت را زیر سؤال می‌برد.



Source: (IMF staff estimates)

نمودار (۲): مقیاس تعدیل مالی (بودجه GDP، RHC) در کشورهای حوزه خلیج فارس

نمودار فوق تعدیل مالی از جمله کسری بودجه در کشورهای حوزه خلیج فارس را نشان می‌دهد. دولت کویت در سال ۲۰۱۶ به دلیل کاهش قیمت نفت و کاهش تقاضای جهانی با کسری بودجه ۵ درصدی روبه‌رو بوده است. کسری بودجه سبب شده این دولت با بحران‌های مالی از جمله تورم و بیکاری روبه‌رو شود. ویژگی بارز دولت‌های رانتیری از جمله کویت، توأم بودن بودجه آن‌ها با کسری بودجه همراه با تورم است که همواره سهم قابل توجهی از اقتصاد این کشور را دربرمی‌گیرد. تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد این دولت اگرچه توانست درآمدهای هنگفتی نصیبش کند؛ اما توانست اقتصادش را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر می‌رسد این بحران‌های مالی در اقتصاد اغلب دولت‌ها دیده می‌شود؛ اما دولت‌های رانتیر سهم قابل توجهی در این بحران‌ها دارند. وابستگی شدید به درآمدهای ناپایدار و تغییرپذیر نفتی از عواملی است که بحران‌های مالی را برای دولت‌های رانتیری از جمله کویت برجای گذاشت.

۴-۱. تورم و بیکاری در کشورهای نفت خیز

در کشورهای خاورمیانه با وجود پیشرفت‌هایی که در مورد خصوصی‌سازی صورت گرفته، بیشتر زمینه‌های اقتصادی هنوز تحت سلطه نهادهای متورم و مؤسسات بزرگ دولتی می‌باشد. در برخورد با مسئله افزایش بیکاری بخش عمومی به‌طور روزافزونی به‌عنوان استخدام‌کننده نهایی باقی مانده و روزبه‌روز هزینه نیروی انسانی و پرداخت‌های دولتی افزایش می‌یابد.

دولت‌ها در این منطقه (خاورمیانه) حجم نسبتاً بزرگی دارند و همواره نیز با کسری بودجه مواجه‌اند. با این همه برخی از کشورها اصلاحات مالی را مانند اصلاحات مالیاتی و بهبود شفافیت کنترل هزینه آغاز کرده‌اند و ما شاهد مقداری پیشرفت در خصوصی‌سازی به‌ویژه در بخش ارتباطات الکترونیکی هستیم؛ اما با توجه به استانداردهای بین‌المللی کشورهای منطقه هنوز از نظر توسعه فضای اقتصادی و مالی مناسب برای پذیرش کارفرمایی، توسعه نیافته است. رانتیر بودن ساختار دولت در کشورهای نفت خیز تأثیر بسزایی در اقتصاد این کشورها گذاشته است (Loureiro, 2014). واقعیت این است که پول حاصل از فروش نفت با ارز خارجی دریافت می‌شود و حتی در صورت نیاز بخش‌های مختلف به هزینه کردن پول در داخل، محدودیت‌های فراوانی در راه تبدیل به پول ملی و هزینه کردن آن در اقتصاد وجود دارد. تجربه گذشته حاکی از آن است که شتاب در هزینه کردن درآمدها به‌سرعت به بروز عارضه‌ای به نام بیماری هلندی منجر شده و تورم شدید و آسیب دیدن تولید در بخش‌های غیر از نفت در اقتصاد داخل را به همراه داشته است (Bianchi, 2018)؛ بنابراین یکی از معضلات دولت‌ها صادرکننده نفت دست‌کم در دوره‌های افزایش شدید بهای نفت در بازار این است که زیرساخت‌های اقتصاد آن‌ها امکان هزینه کردن تمام درآمدها را فراهم نمی‌کند و همین امر زمینه به‌کارگیری گسترده دلارهای نفتی را فراهم می‌کند. این افزایش شدید درآمدهای نفتی به‌زعم خود می‌تواند به واسطه بروز تورم و نابرابری و عوارض دیگر همچون بیماری هلندی، علاوه بر تأثیرات سیاسی با مشکلات فراوان مالی مواجه گردد. جدول زیر نشان می‌دهد که چگونه افزایش شدید بهای نفت در سال ۲۰۱۴ به بروز تورم و بیکاری در کویت منجر شده است.

جدول (۱): شاخص‌های اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس

کشورها	بدهی دولت GDP%	درآمد دولت GDP%	جمعیت هر نفر	نرخ بیکاری کل نیروی کار %	تورم %	کل سرمایه‌گذاری GDP%
کشورها	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴	۲۰۱۴
کویت	۰۰,۰۰	۴۴,۶۹	۸۹,۳	۰۷,۲	۹۰,۵,۳	۴۳,۱۶
قطر	۷۴,۲۶	۶۶,۳۷	۹۱,۱	-	۷۵,۳	۵۱,۲۹
عربستان	۴۱,۶۳	۶۰,۴۶	۶۳,۲۹	-	۳,۷۶	۲۸,۲۹
امارات	-۹۳,۶۵	۳۴,۳۵	۹,۰۳	-	۱,۴۸	۲۴,۸۵
ایران	۴,۳۴	۱۳,۰۲	۵,۲۸	۱۰,۶	۳۴,۷	۵,۱

Source: (IMF, Economic Report, 2015)

جدول فوق شاخص‌های اقتصادی دولت‌های رانتیر حوزه خلیج فارس را نشان می‌دهد. نتایج جدول نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی از جمله نرخ بیکاری و تورم مقیاس‌های بحران‌زایی در طول سال ۲۰۱۴ را تجربه کرده است (ارخودی و دیگران، ۱۳۹۴)؛ برای مثال کشور کویت در این سال در شاخص‌های مزبور به ترتیب ۷,۲ و ۹۵,۳ را داشته است. بدین‌سان متکی بودن شدید به درآمدهای نفتی بحران‌های مزبور را بر جای گذاشت و سبب گردید دولت کویت با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵).

اتکاء به درآمد نفتی اقتصاد کشورهای نفت‌خیز توسعه‌نیافته و درحال‌رشد را دستخوش سیکل‌های تورمی و رکودی بسیار شدید می‌کند که مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عظیمی برای کشورهای مزبور به‌وجود می‌آورد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که در سودآوری و قیمت در بخش‌هایی مانند مسکن به‌طور نسبی در مقایسه با بخش کشاورزی و صنایع خارج شده و به‌سوی بخش مسکن سرازیر می‌شود (Kreishan, 2010). این روند به تورم شدیدتر در بخش مسکن و رکود، نسبی بخش‌های کشاورزی و صنایع داخلی منجر می‌شود. کارشناسان مسائل نفت و سیاست مدت‌هاست درباره تأثیر درآمدهای نفت بر افزایش استقلال عمل دولت از جامعه سخن گفته‌اند. جیل کریستال دریافته است که کشف نفت در کویت سبب شد حکومت این کشور آزادی عمل بیشتری در برابر تجار سنتی به‌دست آورد؛ زیرا درآمدهای نفت، زمامداران را از مالیات دریافتی از تجار بی‌نیاز کرد که یک گروه نیرومند اجتماعی به‌حساب می‌آمدند (Ketter, 2019). تجربه گذشته حاکی از آن است که شتاب در هزینه کردن درآمدها به‌سرعت به بروز عارضه‌ای به نام بیماری هلندی منجر شده و تورم شدید و آسیب دیدن تولید در بخش‌های غیر از نفت در

اقتصاد داخل را به همراه داشته است؛ بنابراین یکی از معضلات دولت‌های صادرکننده نفت دست‌کم در دوره‌های افزایش شدید بهای نفت در بازار این است که زیرساخت‌های اقتصاد آن‌ها امکان هزینه کردن تمام درآمدها را فراهم نمی‌کند و همین امر زمینه به‌کارگیری گسترده دلارهای نفتی را فراهم می‌کند. یکی از گرایش‌های مشاهده شده در کشورهای صادرکننده نفت به‌ویژه در زمان افزایش نفت در بازار، تمرکز بیشتر قدرت در دستگاه اجرایی حکومت و بالاترین کشور است (Stacherzak & Heldak, 2019). به‌نظر می‌رسد ساختار مالی دولت در کشورهای نفت‌خیز که پول نفت را به‌طور انحصاری دریافت و با اختیارات بالا هزینه می‌کند در ایجاد این گرایش نقش مهم و برجسته‌ای دارد. بدین‌سان می‌توان چنین استنباط کرد که اقتصاد رانتهی همواره به‌دلیل تک‌محصولی، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و به‌دور از تنوع اقتصادی آسیب‌پذیر است. اقتصاد این کشورها همواره با بحران‌های مالی از جمله کسری بودجه، تورم، بیکاری مواجه است. ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد این کشورها و اعتیاد به این درآمد با کشف نفت مقارن شد. اگرچه درآمدهای بادآورده نفتی توانست زیرساخت‌های اقتصادی را پشتیبانی کند و به تغذیه این اقتصاد وابسته بیفزاید؛ اما هم‌زمان دیده شد که نه‌تنها برای این کشورها توسعه به‌معنای کلمه به‌وجود نیامد بلکه تکیه بر درآمدهای نفتی دولت‌های مزبور را با بحران‌های مالی گوناگونی از جمله کسری بودجه ادواری، تورم شدید و بیکاری مواجه کرد. به‌نظر می‌رسد آسیب‌پذیری اقتصادی در تمام اقتصادها وجود دارد؛ اما این آسیب‌پذیری در اقتصادهای رانتهی بیشتر و حساستر است (شکوری، ۱۳۹۹).

در ایران که یک کشور نفتی است، افزایش درآمد در حوزه‌های غیرنفتی مثل صنعت گردشگری نیز منجر به مقابله با ضربه‌پذیری درآمد نفت و گاز و در نتیجه ایجاد ثبات‌های در اقتصاد ملی می‌گردد. این پدیده نیز در راستای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز می‌باشد (یاوری و دیگران، ۱۳۸۹).

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش برخی مطالعات انجام شده در این حوزه در ادامه آورده شده است:

۲-۱. مطالعات خارجی

چارفون و صلاح^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر گردشگری، مصرف انرژی و توانایی نهادهای سیاسی بر رشد اقتصادی در کشورهای مناطی دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۹ با استفاده از روش

1. ChorFoon & Salah

GMM پرداختند. نتایج نشان داد که گردشگری اثر قابل ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی این کشورها دارد.

باچر و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای دریافتند که صنعت گردشگری نقش مثبتی از طریق مستقیم و غیرمستقیم در اقتصاد جوامع ایفا می‌کند. اثرهای مستقیم صنعت گردشگری از مخارج اولیه گردشگران برای کالاها و خدمات مصرفی ایجاد می‌شود. این بخش از اثرها، باعث ایجاد اشتغال مستقیم و کسب درآمدهای ارزی از طریق خرید و فروش کالاها و خدمات به گردشگران می‌شود.

عبدل و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط گردشگری و رشد اقتصادی در پاکستان طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۷۲ پرداختند که در این پژوهش از روش ARDL استفاده شده است. نتایج نشان داد که در بلند مدت گردشگری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین گردشگری بین‌المللی به همراه متغیرهایی چون سرمایه فیزیکی و تجارت بین‌الملل اثر مثبتی بر رشد اقتصادی پاکستان دارند.

انجینیو مارتین و مورالز^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین، با روش داده‌های تابلویی به بررسی اثر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. آنها در مقاله خود ضمن معرفی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی، تأثیر گردشگری را نیز مورد بررسی قرار دادند و برای این منظور این کشورها را به سه گروه کشورهای با درآمد پایین، متوسط و بالا تقسیم‌بندی کردند. نتایج حاصل از مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که در کشورهای با درآمد متوسط و پایین، رشد بخش گردشگری تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی آن کشورها می‌گذارد؛ اما توسعه گردشگری در کشورهای با درآمد بالا با رشد اقتصادی آن کشورها ارتباط ندارد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰).

فیگنی و ویکی^۴ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با بررسی تأثیر سطح توسعه اقتصادی یک کشور بر پویایی گردشگری و رشد اقتصادی، دریافتند که گردشگری رشد را در کشورهای در حال توسعه افزایش نمی‌دهد، در حالی که ارتباط بین گردشگری و رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر اتفاق می‌افتد (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

1. Butcher & er al.
2. Abdul Jalil & et al.
3. Enjinew Martin
4. Figini & vici

سانگ و لین^۱ (۲۰۱۰)، اثر بحران مالی ۲۰۰۷ را بر گردشگری در آسیا با استفاده از الگوی ARDL تخمین زدند و مشخص گردید که بحران مالی، هم بر گردشگری داخلی و هم خارجی در آسیا اثر منفی داشته است.

ستاناه و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر رشد اقتصادی بر گردشگری در کشورهای عضو همکاری اسلامی، دریافتند که گردشگری تأثیر مثبتی بر رشد در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارد و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه بیشتر است (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

رامپال^۳ (۲۰۲۰)، به بررسی رابطه بین گردشگری، توسعه مالی و رشد اقتصادی در هند پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داده است که گردشگری سبب رشد اقتصادی می‌گردد و با افزایش توسعه مالی رشد اقتصادی و گردشگری افزایش یافته است (شهین و دیگران، ۱۳۹۷). کیم و همکاران^۴ (۲۰۰۶)، در مطالعه خود رابطه علی بین گسترش گردشگری و رشد اقتصادی در تایوان با استفاده از آزمون علیت گرنجر بررسی کردند. نتایج مطالعه آنها، وجود رابطه علیت دوطرفه را بین این دو متغیر را تأیید نمود. به عبارت دیگر توسعه گردشگری و رشد اقتصادی در تایوان، یکدیگر را تقویت می‌کنند (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

فایسا و همکاران^۵ (۲۰۱۹)، به بررسی سهم صنعت گردشگری بر رشد اقتصادی و توسعه کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. در این مطالعه از داده‌های تابلویی ۱۷ کشور آمریکای لاتین طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ در چهارچوب مدل رشد نئوکلاسیک استفاده کرده‌اند. نتایج به دست آمده کشورهای آمریکای لاتین مشابه نتایج به دست آمده برای کشورهای آفریقایی است (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

زورتاک^۶ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای برای اقتصاد ترکیه، سهم و کمکی که توسعه سریع بخش گردشگری، به‌ویژه بعد از دهه ۱۹۸۰ در رشد اقتصادی این کشور دارا بوده را مورد بررسی قرار داد. او برای این منظور از داده‌های فصلی از فصل اول ۱۹۹۰ تا فصل سوم ۲۰۱۸ استفاده نمود و از طریق آزمون علیت گرنجر و بر اساس روش VECM، به بررسی رابطه بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی پرداخت که نتایج، رابطه یک‌طرفه از توسعه گردشگری به سمت رشد اقتصادی را نشان داد (عرب، ۱۳۹۳).

1. Song & Lin
2. Staniah & et al.
3. Rampall
4. Kim & et al.
5. phaisa
6. Zortak

۲-۲. مطالعات داخلی

خطیب سمنانی و فتحی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی راهکارهای توسعه گردشگری در آذربایجان غربی پرداختند. هدف این پژوهش معرفی توانمندی‌های گردشگری استان آذربایجان غربی و شناخت عوامل تأثیرگذار بر تعداد گردشگران وارد شده به استان آذربایجان غربی است. با این فرضیه که افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد تأثیر مثبتی بر افزایش تعداد گردشگران دارد. در مطالعه حاضر برای بررسی متغیرهای مؤثر بر گردشگری مدلی برآورد شده است که نشان می‌دهد افزایش سرمایه‌گذاری با دو دوره وقفه، افزایش تعداد گردشگران دوره قبل افزایش درآمد سرانه و کاهش سطح قیمت‌ها تأثیر مثبتی بر افزایش تعداد گردشگران می‌گذارد.

جعفری صمیمی و همکاران (۲۰۱۱)، رابطه علیت بین صنعت گردشگری و رشد اقتصادی را با استفاده از مدل پانل خودرگرسیون برداری برای کشورهای در حال توسعه و در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۹ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که در بلندمدت رابطه دوطرفه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر، در عین حال که گردشگری منجر به رشد اقتصادی می‌شود، رشد اقتصادی و سطح توسعه نیز عامل مهمی در جذب گردشگران است (اسدیپور، ۱۳۹۶).

صفدری و همکاران (۲۰۱۲)، رابطه بلندمدت بین مصارف صنعت گردشگری و رشد اقتصادی را برای ایران و در دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۸ بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه که براساس مدل خودرگرسیون برداری انجام شده است، بیانگر آن است که مخارج گردشگری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

شهباز^۱ و همکارانش (۲۰۱۶)، رابطه بین توسعه مالی، گردشگری و تجارت را طی سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۱۳ برای کشور مالزی مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که رابطه دوطرفه بین این سه متغیر نشان‌دهنده تأثیر متقابل و مثبت بین آنها و افزایش درآمد و بهبود وضعیت بخش‌های کلیدی کشور از طریق گردشگری می‌باشد (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

خوارزمی (۱۳۸۴)، در مطالعه خود تحت عنوان بررسی رابطه گردشگری و تجارت در ایران به این نتیجه رسیده است که رابطه علی یک‌طرفه بین تجارت و گردشگری (از تجارت به گردشگری) برقرار است و تجارت به عنوان یک عامل مهم در تقاضای گردشگری به شمار می‌رود. طیبی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی رابطه گردشگری بین‌المللی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی علی گرنجری در دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۳ پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان

1. Shahbaz

می‌دهد که رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی ایران، یک رابطه علی دوطرفه است و بین این دو متغیر، یک تعادل بلندمدت وجود دارد (شهین و دیگران، ۱۳۹۷).

۳. الگوی پیشنهادی پژوهش

در پژوهش حاضر از روش داده‌های پانلی هلنزنی^۱ (۲۰۱۱) جهت بررسی رابطه گردشگری و رشد اقتصادی استفاده شده است که در زیر تشریح شده است:

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 K_t + \alpha_2 H_t + \alpha_3 T_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن Y_t تابع تولید، K_t سرمایه فیزیکی، H_t سرمایه انسانی و T_t گردشگری است. در رابطه فوق تنها ارتباط خطی بین متغیرها سنجیده می‌شود؛ بنابراین جهت بررسی ارتباط غیرخطی می‌توان رابطه فوق را به مدل زیر تعمیم داد.

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 K_t + \alpha_2 H_t + \alpha_3 T_t + \alpha_4 K_t^2 + \alpha_5 H_t^2 + \alpha_6 T_t^2 + \alpha_7 K_t H_t + \alpha_8 K_t T_t + \alpha_9 H_t T_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

که در آن K_t^2 ، H_t^2 و T_t^2 روابط غیرخطی متغیرها را نشان می‌دهند و $K_t H_t$ ، $K_t T_t$ و $H_t T_t$ روابط متقاطع بین متغیرها را نشان می‌دهند.

با توجه به اینکه یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی رابطه گردشگری بر درآمد نفتی و بررسی جایگزینی درآمدهای گردشگری با درآمدهای نفتی است؛ بنابراین برای بررسی این هدف لازم است از روابط زیر استفاده شود.

$$oil_t = \beta_0 + \beta_1 K_t + \beta_2 T_t + \beta_4 K_t^2 + \beta_5 T_t^2 + \beta_8 K_t T_t + \theta_t \quad (3)$$

$$oil_t = \beta_0 + \beta_1 K_t + \beta_2 T_t + \beta_4 K_t^2 + \beta_5 T_t^2 + \beta_6 K_t T_t + \beta_9 Y_t + \theta_t \quad (4)$$

تفاوت دو رابطه فوق در این است که در (۳) اثر رشد اقتصادی بر درآمد نفتی آورده نشده است در حالی که در رابطه (۴) رشد اقتصادی نیز یک عامل تأثیرگذار بر درآمد نفتی در نظر گرفته شده است. در این پژوهش خدمات گردشگری مدنظر گرفته شده است و تعداد گردشگران و هزینه صرف‌شده در صنعت گردشگری ملاک متغیر گردشگری در مدل است.

۳-۱. آزمون مانایی

قبل از برآوردها و جهت رفع رگرسیون کاذب، لازم است که مانایی متغیرها را مورد آزمون قرار داد. از آنجاکه داده‌ها به صورت ترکیبی می‌باشند؛ لذا نحوه آزمون مانایی آنها با داده‌های سری

1. Holzner

زمانی متفاوت می‌باشد. راهکارهای چنین آزمونی برای داده‌های ترکیبی استفاده از آزمون‌های مرتب‌تری مانند: لوین، لین و چو (LLC) و یا ایم، پسران و شین (IPS) و روش‌های دیگری که وجود دارند استفاده شود. در این پژوهش از روش لوین، لین و چو برای آزمون مانایی استفاده گردیده است (سرخوش سرا و دیگران، ۱۳۹۷).

جدول (۲): بررسی مانایی متغیرها

نتیجه	احتمال	Levin, Lin & Chu Test	متغیر
I(0)	۰.۰۰۰۰	-۲۴.۹۷۹۹	درآمد (تولید کشور)
I(0)	۰.۰۰۰۰	-۱۸.۸۱۰۸	درآمدهای نفتی
I(0)	۰.۰۰۰۰	-۱۲.۵۸۵۸	سرمایه فیزیکی
I(0)	۰.۰۰۰۰	-۹۱.۳۷۴۴	سرمایه انسانی
I(0)	۰.۰۰۰۰	-۱۵.۳۱۸۹	گردشگری

منبع: (یافته‌های پژوهش)

با استفاده از آزمون لوین لین چو، نتایج نشان می‌دهد که همه متغیرها در سطح مانا هستند.

۳-۲. آزمون F لیمر

ابتدا لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد. نتایج آزمون F لیمر در جدول (۳) برای هر یک از مدل‌های پژوهش نشان داده شده است، برای تخمین مدل، روش به کارگیری داده‌ها تلفیقی یا تابلویی است. مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل اول پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد می‌شود. مقدار احتمال آماره آزمون F لیمر برای مدل دوم پژوهش نیز کمتر از ۰/۰۵ است که این مقدار نشان‌دهنده رد فرض مبنی بر استفاده از داده‌های تلفیقی است. برای مدل سوم و چهارم پژوهش نیز نتایج حاکی از رد فرض مبنی بر استفاده از داده‌های تلفیقی است، چراکه احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

مدل	نوع آزمون	آماره	احتمال آماره	نتیجه
اول	F لیمر	۴.۱۴۳۸۵۱	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی
دوم	F لیمر	۱۲.۱۸۹۷۲۳	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی
سوم	F لیمر	۲۵.۰۹۴۳۴	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی
چهارم	F لیمر	۴۸.۳۲۵۶۱	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۳-۳. آزمون هاسمن

با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل اول پژوهش نشان می‌دهد که داده‌ها، تابلویی با اثرات ثابت هستند. مقدار احتمال مربوط به این آماره از ۵ درصد کمتر است؛ بنابراین مدل اول پژوهش بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود. نتیجه آزمون هاسمن برای مدل دوم پژوهش نیز نشان می‌دهد داده‌ها از نوع اثرات ثابت هستند، مقدار احتمال مربوط به آماره آزمون هاسمن، تا دو رقم اعشار نشان داده شده که این مقدار کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین مدل دوم پژوهش نیز بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود. نتایج تخمین صورت گرفته برای مدل سوم و چهارم پژوهش نیز نشان می‌دهد که متغیرهای این مدل بر اساس اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود، چراکه مقدار آماره محاسبه شده کمتر از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد (سرخوش‌سرا و دیگران، ۱۳۹۷).

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

مدل	نوع آزمون	آماره	احتمال آماره	نتیجه
اول	هاسمن	۲۳.۷۴۱۷۸۴	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی با اثرات ثابت
دوم	هاسمن	۲۸.۶۸۱۵۲۵	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی با اثرات ثابت
سوم	هاسمن	۳۱.۹۴۹۴۴۶	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی با اثرات ثابت
چهارم	هاسمن	۳۰.۴۷۸۲۱۳	۰.۰۰۰۰	روش تابلویی با اثرات ثابت

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۴. تفسیر نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، به منظور تعیین به‌کارگیری داده‌ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل‌های پژوهش در ادامه ارائه می‌گردد.

۴-۱. نتایج تخمین مدل اول پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل اول پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل اول پژوهش در جدول (۵)

ارائه شده است. مدل اول پژوهش، تأثیر گردشگری بر درآمد (تولید) کشورهای نفت‌خیز را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است (سرخوش‌سرا و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۳) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد؛ زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده درصد تغییرات متغیر وابسته را که از طریق مدل رگرسیون توضیح داده شده است، بیان می‌کند. با توجه به جدول ضریب تعیین تعدیل‌شده مقدار ۰/۸۱ را نشان می‌دهد؛ بنابراین بر اساس نمونه آماری این پژوهش، گردشگری به‌وسیله عوامل متغیر مستقل همچون سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی قابل توضیح است و تأثیر معناداری بر درآمد کشورهای مورد مطالعه دارد.

جدول (۵): نتایج مربوط به تخمین مدل اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value
عرض از مبدأ	C	۹.۵۲۶۰۱۰	۲.۱۶۰۴۹۷	۴.۴۰۹۱۷۵	۰.۰۰۰۰
سرمایه فیزیکی	K	۶.۵۱۴۷۱۲	۳.۵۷۳۸۱۶	۱.۸۲۲۹۰۱	۰.۰۷۰۱
گردشگری	T	۰.۱۷۲۲۵۸	۰.۰۶۸۰۱۳	۲.۵۳۲۷۰۵	۰.۰۰۳۲
سرمایه انسانی	H	۰.۰۳۴۰۶۷	۰.۰۱۶۶۳۱	۲.۰۴۸۵۱۰	۰.۰۴۴۲
آماره F: ۹/۶۹		معناداری آماره F: ۰/۰۰۰۰			
آزمون دوربین واتسون:		۱/۵۳			
ضریب تعیین		۰/۸۱			
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۷۳			

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۴-۲. نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل دوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل دوم پژوهش که در جدول (۶) ارائه شده است، تأثیر گردشگری بر درآمد کوتاه‌مدت را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون حاکی از توان توضیح‌دهندگی مدل است. با توجه به اینکه احتمال آماره F کمتر از ۰/۰۱ است، می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است

(سرخوش سرا و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۵۸) (با در نظر گرفتن اینکه مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ نشان از عدم خود همبستگی است) نیز حاکی از آن است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده درصد تغییرات متغیر وابسته را که از طریق مدل رگرسیون توضیح داده شده است، بیان می‌کند این مقدار ۰/۸۷ را نشان می‌دهد؛ بنابراین بر اساس نمونه آماری این پژوهش گردشگری در کوتاه‌مدت به وسیله عوامل متغیر مستقل و کنترلی این فرضیه قابل توضیح است.

جدول (۶): نتایج مربوط به تخمین مدل دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value	
عرض از مبدأ	C	۷.۹۴۵۰۱۶	۱.۱۱۶۸۰۱	۷.۱۱۴۰۸۴	۰.۰۰۰۰	
سرمایه فیزیکی	K	۱.۶۹۹۲۵۷	۰.۹۶۰۳۶۶	۱.۷۶۹۳۸۴	۰.۰۸۵۷	
گردشگری	T	۰.۳۳۴۷۰۲	۰.۰۹۰۳۱۸	۳.۷۰۵۸۳۲	۰.۰۰۰۲	
سرمایه انسانی	H	۰.۰۵۴۱۰۵	۰.۰۱۷۴۴۱	۳.۱۰۲۴۱۴	۰.۰۰۲۱	
-	K ²	۰.۰۰۲۰۴۵	۰.۰۰۲۵۷۸	۰.۷۹۳۱۹۰	۰.۴۲۸۲	
-	H ²	۰.۰۰۱۲۸۷	۰.۰۰۳۷۶۲	۰.۸۹۳۵۲۱	۰.۳۱۷۸	
-	T ²	۰.۰۰۷۲۵۴	۰.۰۰۸۷۲۵	۱.۳۸۲۷۴۳	۰.۴۳۷۸	
آماره F: ۲۵/۹۵		معناداری آماره F				۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون:		۱/۵۸				
ضریب تعیین		۰/۸۷				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۴				

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۳-۴. نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل سوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل سوم پژوهش در جدول (۷) ارائه شده است. مدل سوم پژوهش، تأثیر گردشگری بر درآمد نفتی را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است (سرخوش سرا و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۳۷) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد؛ زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و

۲/۵ قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مقدار ۰/۴۵ را نشان می‌دهد که نشان از توضیح‌دهندگی بازده سهام توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این فرضیه است.

جدول (۷): نتایج مربوط به تخمین مدل سوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value	
عرض از مبدأ	C	۱۵.۹۹۴۸۴	۰.۱۳۸۶۸۱	۱۱۵.۳۳۶۵	۰.۰۰۰۰	
سرمایه فیزیکی	K	۰.۰۳۷۱۳۱	۰.۰۰۰۸۸۸۱	۴.۱۸۰۸۳۶	۰.۰۰۰۰	
گردشگری	T	-۰.۰۱۱۰۲۱	۰.۰۱۸۲۷۲	-۰.۰۹۰۵۸۱	۰.۰۲۷۹	
-	K ²	۰.۰۰۴۹۵۳	۰.۰۰۲۲۵۱	۲.۲۰۰۰۷۲	۰.۰۲۸۴	
-	T ²	۰.۰۹۰۲۸۳	۰.۰۵۱۰۵۳	۱.۷۶۸۴۲۹	۰.۰۸۵۷	
-	KT	۰.۰۰۶۳۷۲	۰.۰۷۲۸۱۲	۱.۶۷۳۸۲۹	۰.۰۷۲۶	
آماره F : ۳/۱۰۶		معناداری آماره F				۰/۰۰۰۰
آزمون دوربین واتسون:		۲/۳۷				
ضریب تعیین		۰/۴۵				
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۰				

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۴-۴. نتایج تخمین مدل چهارم پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل سوم پژوهش بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل چهارم پژوهش در جدول (۸) ارائه شده است. مدل سوم پژوهش، تأثیر غیرخطی گردشگری بر درآمد نفتی را آزمون می‌کند. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح‌دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است (سرخوش سرا و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۹) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد؛ زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مقدار ۰/۶۹ را نشان می‌دهد که نشان از توضیح‌دهندگی بازده سهام توسط متغیرهای مستقل و کنترلی این فرضیه است

جدول (۸): نتایج مربوط به تخمین مدل چهارم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآوردشده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value
عرض از مبدأ	C	۱۶۸۷۴۵۶	۰.۱۳۸۶۸۱	۱۱۶.۵۵۷۷	۰.۰۰۰۰
سرمایه فیزیکی	K	۰.۰۵۷۱۷۲	۰.۰۹۸۴۵۳	۳.۵۶۷۳۸۲	۰.۰۰۰۰
گردشگری	T	-۰.۰۲۱۹۱۱	۰.۰۵۷۸۳۲	-۰.۰۹۱۶۷۳	۰.۰۱۸۹
درآمد(تولید)	Y				
-	K ²	۰.۰۰۳۶۷۲	۰.۰۰۸۷۴۳	۳.۵۷۸۱۱۹	۰.۰۴۵۷
-	T ²	۰.۰۰۷۸۲۱	۰.۰۰۸۲۶۱	۱.۷۸۴۶۳۲	۰.۰۲۳۷
-	KT	۰.۰۰۶۷۸۲	۰.۰۰۲۴۷۸	۱.۴۵۶۷۳۲	۰.۰۸۹۲
آماره F: ۳/۱۰۶		معناداری آماره F ۰/۰۰۰۰			
آزمون دوربین واتسون:		۲/۲۹			
ضریب تعیین		۰/۷۳			
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۹			

منبع: (یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد سیاستی

نتایج حاصل از تخمین‌های ذکر شده در بخش قبلی حاکی از آن است که اثر گردشگری بر درآمد در بلندمدت تأثیر معناداری است، در نتیجه بین گردشگری و رشد اقتصادی رابطه معناداری حاکم است و رابطه این دو متغیر با اطمینان ۹۰ درصد تأیید می‌شود. ضریب متغیر گردشگری برابر با ۰/۳۳۴ است که نشان می‌دهد، در کشورهای حوزه خلیج فارس، گردشگری بر درآمد (تولید) اثر مثبت دارد و اگر یک واحد (درصد) گردشگری زیاد شود ۰/۳۳۴ واحد (۳۳,۴ درصد) درآمد کشور زیاد خواهد شد که این میزان قابل توجه است. یعنی تلاش برای تقویت جذب گردشگر در این کشورها منجر به افزایش درآمد کشور خواهد شد و به دنبال آن رشد اقتصادی حاصل خواهد آمد.

علاوه بر این تأثیر گردشگری بر درآمد کشورهای مورد مطالعه تأثیر معناداری است، رابطه این دو متغیر با اطمینان ۹۰ درصد تأیید می‌شود. ضریب متغیر گردشگری برابر با ۰/۱۷۲ است که نشان می‌دهد، در کشورهای حوزه خلیج فارس، گردشگری بر درآمد (تولید) اثر مثبت دارد و اگر یک واحد (درصد) گردشگری زیاد شود ۰/۱۷۲ واحد (۱۷,۲ درصد) درآمد کشور زیاد خواهد شد. افزایش درآمد کشور نیز با تقویت صنعت گردشگری در کشورهای حوزه خلیج

فارس میسر خواهد بود.

درآمد گردشگری بر درآمد نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیرگذار است ولی با توجه به ضریب متغیر گردشگری می‌توان نتیجه گرفت که گردشگری بر درآمدهای نفتی تأثیر ضعیفی دارد. ضریب متغیر گردشگری مطابق جدول معادل ۰/۱۱- است یعنی اگر صنعت گردشگری در این کشورها ۱ واحد (درصد) افزایش یابد، درآمد نفتی آن‌ها معادل ۰/۱۱ (۱/۱) درصد کاهش خواهد یافت که عدد قابل توجهی نیست.

در مدل چهارم این پژوهش نیز درآمد گردشگری بر درآمد نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس تأثیرگذار است ولی با توجه به ضریب متغیر گردشگری می‌توان نتیجه گرفت که گردشگری بر درآمدهای نفتی تأثیر ضعیفی دارد. ضریب متغیر گردشگری مطابق جدول معادل ۰/۲۱- است یعنی اگر صنعت گردشگری در این کشورها ۱ واحد (درصد) افزایش یابد، درآمد نفتی آن‌ها معادل ۰/۲۱ (۲/۱) درصد کاهش خواهد یافت که عدد قابل توجهی نیست. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش در ادامه به پیشنهاد سیاستی پرداخته شده است.

گردشگری در وهله اول، یک ابزار توسعه است و به‌صورت گسترده، ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه در مناطق هدف به‌شمار می‌رود. ارتقا و توسعه منطقه‌ای و ناحیه‌ای در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از پیامدهای مثبت توسعه گردشگری است. از دیدگاه اندیشمندان حوزه گردشگری، این صنعت از زمانی که برای نخستین بار به‌صورت یک پدیده اجتماعی - اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ میلادی ظهور کرد، به‌عنوان سازوکاری مهم برای توسعه مورد توافق جهانی قرار گرفت. تقریباً همه دولت‌ها به دنبال کسب حداکثر منافع از این صنعت هستند (ویسی، ۱۳۹۶)؛ اما روشن است که حکومت‌ها و کشورهای مختلف از سفره بزرگ صنعت گردشگری بهره‌یکسان نبرده‌اند و حتی کشورهایی که از نظر بسیاری از ویژگی‌ها (وسعت، سرزمین، موقعیت، جمعیت، قدمت تاریخی،...) وضعیت نسبتاً مشابهی دارند، به‌لحاظ میزان بهره‌گیری از گردشگری با یکدیگر بسیار متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها ریشه در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها دارد.

بهره‌وری و استفاده بهینه از ظرفیت‌های گردشگری هر کشور نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان میان‌مدت و بلندمدت است. این بدان معنا است که رونق یا رکود صنعت گردشگری به‌ویژه صنعت گردشگری بین‌المللی در هر کشور، تا حد زیادی به نگرش تصمیم‌سازان کلان کشور، برنامه‌های توسعه و قوانین و اسناد فرادستی آن کشور بستگی دارد که حدود و ثغور و ابعاد توسعه صنعت گردشگری را در هر کشور مشخص می‌کند (ویسی، ۱۳۹۶). سیاست‌گذاری‌ها و تدوین برنامه‌های راهبردی کلان در هر کشور، محصول محیط سیاسی،

ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم، خواست قدرت و اصول نهادینه‌شده آن کشور است. در مجموع، عوامل اساسی مؤثر بر گردشگری در هر کشور را می‌توان به دو بخش «عوامل زمینه‌ای» و «سیاست‌گذاری گردشگری» تقسیم کرد. عوامل زمینه‌ای شامل فرهنگ، اقتصاد، امنیت، امکانات رفاهی و زیربنایی و کیفیت جاذبه‌های گردشگری است که در هر کشور برای توسعه گردشگری شرط لازم است؛ اما کافی نیست. علاوه بر آن‌ها، اراده لازم زمامداران کشور برای توسعه گردشگری نیاز است که در اسناد و قوانین پایه و فرادستی ملی انعکاس یابد و سپس به صورت عملیاتی و جزئی‌تر در قوانین عادی، تفاهم‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها متبلور می‌شود. وجود سیاست‌گذاری و اسناد فرادستی با مفاد مشخص گردشگری، بخش دیگر مؤثر بر توسعه گردشگری معنا پیدا می‌کند که آن بخش «اجرا و نظارت بر سیاست‌ها» است (ویسی، ۱۳۹۶).

صنعت گردشگری از جمله صنایع بزرگ و متنوع خدماتی به‌شمار می‌رود که نیازمند برنامه‌ریزی و بهره‌مندی از یک قانون مدون و یکپارچه است تا بتوان این صنعت متنوع و بزرگ را مدیریت نمود. بزرگ‌بودن جهت که صنایع، سازمان‌ها، نهادها و خدمات بسیاری از آغاز سفر گردشگر، مدت اقامت و بازگشت به مبدأ خویش در این فرایند نقش ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر کشورهای بسیاری در جهان با تدوین قانون گردشگری در کنار برنامه‌های توسعه، توانسته‌اند مسیر رشد را به خوبی پیموده و اهداف خویش را محقق نمایند. مقایسه قوانین گردشگری در کشورهای گوناگون و نحوه اجرایی شدن آنها، نشان از وجود یک برنامه مدون و یکپارچه دارد که در ذیل آن، قوانین اجرا می‌گردند. قوانین گردشگری در حوزه‌هایی همچون صدور ویزا، گمرک و قوانین حمل‌کالای مسافری، ترانزیت خودرو، بیمه گردشگری و محاکم قضایی، از جمله مهم‌ترین قوانینی هستند که در کشورهای توسعه‌یافته مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با توجه به این موضوع پیشنهادهای سیاستی می‌تواند حول تدوین قوانین مدون شکل گیرد. یکی از راهکارهای پیشرفت گردشگری، مساعدت و همراهی همه دستگاه‌های اجرایی کشور به خصوص دانشگاه‌ها و مراکز علمی به حمایت و پشتیبانی از راهاندازی و میزبانی رویدادهای منطقه‌ای و کشوری است. علاوه بر آن مواردی همچون اولویت‌بخشی به توسعه گردشگری مردم‌محور به‌جای دولت‌محور، توجه ویژه به نقش رویدادهای گردشگری به‌عنوان موتور محرکه صنعت گردشگری، صادرات نامریی یعنی با ورود هر گردشگر به اندازه چند بشکه نفت پول وارد کشور می‌شود که هر چقدر بهانه برای ماندگاری گردشگر بیشتر باشد به همان میزان به تولید ثروت کشور افزوده می‌شود، حمایت ویژه و خاص از خلاقان و سرمایه‌های انسانی برتر در حوزه گردشگری و توجه به صنعت گردشگری به‌عنوان یک صنایع میان‌بخشی که برای موفقیت به مساعدت و همراهی همه دستگاه‌های اجرایی کشور می‌تواند از سیاست‌های پیشنهادی این پژوهش باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

فهرست منابع

- اسدیپور، احمدعلی (۱۳۹۶). بررسی رابطه صنعت گردشگری با رشد اقتصادی با عنایت به سند چشم‌انداز. جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷(۴)، ۲۸۵-۲۹۵.
- خطیب سمنانی، محمدعلی و فتحی، منصوره (۱۳۹۰). بررسی راهکارهای توسعه گردشگری در استان آذربایجان غربی. فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)، سال ششم، (۱۸)، ۹۵-۱۱۲.
- خوارزمی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). بررسی رابطه علیت گردشگری و تجارت در ایران. مجله پژوهشنامه بازرگانی، (۳۷)، ۹۱-۱۰۸.
- دلقندی، مه‌ری سادات؛ فاضل، رضا و دلقندی، فائزه‌السادات (۱۳۹۹). بررسی اثرات اقتصادی گردشگری بر توسعه پایدار منطقه‌ای. علوم جغرافیایی، ۱۳(۳۳)، ۱۲۰-۱۳۹.
- رام، منصوره (۱۳۹۱). چشم‌انداز توسعه نفت و گاز خزر و منافع ایران. پایگاه نور، (۳۷).
- رنانی، محسن؛ دلالی اصفهانی، رحیم و صمدی، علی (۱۳۸۹). ارائه الگویی برای رشد اقتصادی ایران: برخی ملاحظات نهادی. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، (۲).

سرخوش‌سرا، علی؛ خدیجه، نصرالهی و آذربایجانی، کریم (۱۳۹۷). تحلیل و بازبینی ارتباط درآمدها و مخارج بخش گردشگری با رشد اقتصادی: شواهدی جدید از علیت پنلی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا. *گردشگری و توسعه*، ۷(۳)، ۱-۲۴.

شکوری، بهرام؛ خوشنویس یزدی، سهیلا و ناطقیان، نیلوفر (۱۳۹۹). تأثیر توسعه گردشگری بر اقتصاد ایران. *پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار*، ۸(۱۶)، ۳۳-۵۲.

طیبه، کمیل؛ جباری، امیر و بابکی، روح‌اله (۱۳۸۷). بررسی رابطه علی بین گردشگری و رشد اقتصادی (مطالعه موردی: ایران، کشورهای OECD و کشورهای منتخب). *مجله دانش و توسعه*، سال پانزدهم، ۲۴(۲۴)، ۶۵-۸۶.

طیبه، سیدکمیل؛ جباری، امیر و بابکی، روح‌اله (۱۳۹۰). بررسی رابطه توسعه گردشگری و رشد اقتصادی در ایران. *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ویژه اقتصاد*، سال هفتم، ۲۶(۲۶).

عرب، زهرا (۱۳۹۳). بررسی و مطالعه تأثیر هنر - صنعت گردشگری بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و کشورهای DCEO در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳. *دوفصلنامه هنرهای کاربردی*، ۳(۵)، ۵۹-۶۷.

فتحی‌پور، ارسلان؛ قدمی، محسن؛ هندیانی، عبدالله و رضایی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). جایگزینی صنعت گردشگری با درآمد نفت؛ ضرورت تحقق امنیت پایدار. *مطالعات راهبردی*، سال بیست و یکم، ۸۱(۸۱)، ۳۳-۵۶.

محمودی، آناهیتا (۱۳۹۲). کاهش وابستگی به نفت با تقویت صنعت گردشگری. همایش کنگره پیشگامان پیشرفت، دوره برگزاری ۳.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت.

میرباقری هیر، میرناصر؛ میرزایی، حسین و اسدی، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی راهبردهای توسعه صنعت گردشگری در بستر ICT در استان آذربایجان شرقی. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱(۳)، ۲۰۳-۲۲۰.

میرزایی، حسن و جلیلی، ساناز (۱۳۹۰). تأثیر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی مقایسه ایران و کشورهای منتخب. *فصلنامه اقتصاد مالی (علوم اقتصادی سابق)*، سال پنجم، ۱۵(۱۵)، ۱۳۷-۱۴۹.

میرزایی، حسین و جلیلی، ساناز (۱۳۹۰). تأثیر توسعه گردشگری بر رشد اقتصادی (مقایسه ایران و کشورهای منتخب). *اقتصاد مالی*، ۵(۱۵)، ۷۳-۹۲.

ویسی، هادی (۱۳۸۹). جایگاه خلیج فارس در تحولات ژئواکونومی جهان. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۴۶(۴۶).

ویسی، هادی (۱۳۹۶). بررسی سیاست‌گذاری صنعت گردشگری در قوانین بالادستی جمهوری اسلامی ایران. *ویژه‌نامه محیط‌زیست و جامعه*، ۷(۲۵)، ۹۳-۱۱۲.

یاوری، کاظم؛ رضا قلی‌زاده، مهدیه؛ آقایی، مجید و مصطفوی، محمدحسن (۱۳۸۹). تأثیر مخارج گردشگری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). *مجله تحقیقات اقتصادی*، (۹۱)، ۱۶۳-۱۷۸.

- Abdul, Tahir Mahmood & Muhammad Idrees (2020). Tourism-growth nexus in Pakistan: Evidence from ARDL bounds tests. *Economic Modelling* 35 (2020) 185-191
- Bianchi, R. (2018). The political economy of tourism development: A critical review. *Annals of Tourism Research*, (70), 88-102.
- Butcher, G.; Fairweather, J. R. & Simmons, D. G. (2003). The Economic Impact of Tourism on Christchurchcity and Akaroa Township. *Journal of Economic Dynamics and Control*, (11), 211-200.
- Chor FoonTang and Salah Abosedra. (2022). The impacts of tourism, energy consumption and political instability on economic growth in the MENA countries. *Energy Policy*, 68(2014), 458-464.
- Eugenio-Martin, J. L. & Morales, N. M. (2004). Tourism and Economic Growth in Latin American Countries: A Panel Data Approach. *Tourism Management* 21, 59-64.
- Figini, P. & Vici, L. (2010). Tourism and Growth in Across Section of Countries. *Tourism Economics*, 16(4), 789-805.
- Ketter, E. (2019). Eating with EatWith: analysing tourism-sharing economy consumers. *Current Issues in Tourism*, 22(9), 1062-1075.
- Kim, H. J.; Chen, M. H. & Jang, S. C. (2006). Tourism Expansion and Economic Development: The Case of Taiwan. *Tourism Management*, 27(5), 925-933.
- Kreishan, Fuad M.M. (2010). Tourism and Economic Growth: The Case of Jordan. *European Journal of Social Sciences*, 15(2).
- Loureiro, S. M. C. (2014). The role of the rural tourism experience economy in place attachment and behavioral intentions. *International Journal of Hospitality Management*, (40).
- Marin, D. (1992). Is the Export-Led Hypothesis Valid For Industrialized Countries? *Review of Economics and Statistics*, (74).
- Rampal, O. (2017). The Relationship between Tourism, Financial Development and Economic Growth in India: Future Business Journal, 3(1), 9-22.
- Shahbaz, M.; Kuma, R. R.; Ivanov, S. & Loganathan, N. (2016). The Nexus between Tourism Demand and Output Per Capita, with There lative Importance of Trade Openness and Financial Development: A study of Malaysia. *Tourism Economics*, 1-19.
- Song, H. & Lin, S. (2010). Impacts of the Financial and Economic Crisis on Tourism in Asia. *Journal of Travel Research*, 49(1), 16-30.
- Stacherzak, A. & Heldak, M. (2019). Borough development dependent on agricultural, tourism, and economy levels. *Sustainability*, 11(2), 415.
- Zortuk, M. (2009). Economic Impact of Tourism on Turkey's Economy: Evidence from Cointegration Tests. *International Research Journal of Finance and Economics*.